

پژوهش مفهومی:

چیستی، چرایی و تبیین ارزشمندی آن^۱

نشریه علمی | رتبه بین‌المللی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱

نمایه در SCOPUS، ISC، LISTA و

ijpm.irandoc.ac.ir

دوره ۴۱ | شماره ۲ | صص ۳۱۳-۳۲۲

زمستان ۱۴۰۴

<https://doi.org/10.22034/ijpm.2025.734304>



چکیده: پژوهش مفهومی و رویکردهای مرتبط با آن تا کنون به‌طور جدی مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار نگرفته و مقاله یا کتابی فارسی به این مهم نپرداخته است. غالب شدن پژوهش‌های تجربی و پیمایشی، آن‌هم با رویکرد پوزیتیویستی، در بسیاری از محافل دانشگاهی مانع از شناخته شدن و گرایش به پژوهش‌های مفهومی شده است. بسیاری از مجله‌های علمی نیز اینگونه پژوهش‌ها را در زمره پژوهش‌های متعارف، و مقاله‌های برگرفته از آن‌ها را مقاله‌های «ترویجی» یا «مروری» به‌شمار می‌آورند و مایل به انتشار آن‌ها نیستند. در نوشته حاضر تلاش شده است تا ضمن تعریف چیستی و چرایی پژوهش مفهومی، جنبه‌هایی چون ارزشمندی، گوناگونی، گام‌ها و رویکردهای انجام آن معرفی شود. همچنین، چارچوب و الزامات یک پژوهش مفهومی که می‌تواند روشمندی و ارزش کاربردی آن را (به‌ویژه در حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی، و همچنین علوم و فناوری اطلاعات) نشان دهد توضیح داده شده است. پیشنهاد نوشته حاضر آنست که نظام آموزش عالی، معاونت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها، کمیته‌های تخصصی ارتقاء، گروه‌های آموزشی و مجله‌های علمی-پژوهشی این‌گونه پژوهش را ارج‌گذاری کنند و به رسمیت بشناسند.

کلیدواژه‌ها: پژوهش‌های مفهومی، روش‌های پژوهشی، علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم و فناوری اطلاعات

۱. نگارنده از دکتر یزدان منصوریان، استاد دانشگاه چارلز استورت استرالیا، برای رهنمودهای سازنده‌اش در زمینه محتوای نوشته حاضر سپاسگزاری می‌کند

چیستی، چرایی و ارزشمندی پژوهش مفهومی

حدود بیست سال پیش که یکی از مقاله‌های انگلیسی من در مجله Library Review منتشر شد مشاهده کردم که در پایین چکیده آن مقاله، نوع پژوهش را Conceptual paper، یعنی «مقاله مفهومی» برچسب‌گذاری کرده بود^۱. هنگامی که به سایر مقاله‌های انگلیسی خود مراجعه کردم متوجه شدم بیشتر آن‌ها نیز مقاله‌های مفهومی بودند. تا آن زمان هیچ آگاهی و شناختی از این نوع پژوهش، الزامات روش‌شناختی و رویکردهای انجام آن نداشتیم. بعدها متوجه شدم که، مانند من، برخی از پژوهشگران حوزه علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز مقاله‌هایی در مجله‌های علمی-پژوهشی منتشر کرده‌اند که خود به‌درستی روش پژوهشی آن‌ها را نمی‌دانسته‌اند و یا به اشتباه آن‌ها را در زمره مقاله‌های مروری تلقی نموده‌اند در حالی که از دیدگاه آن مجله‌ها مقاله‌های مفهومی به‌شمار آمده‌اند.

پژوهش مفهومی^۲ و رویکردهای مرتبط با آن تا کنون به‌طور جدی مورد توجه و استفاده پژوهشگران داخلی قرار نگرفته، تقریباً ناشناخته مانده، و تا کنون مقاله یا کتابی فارسی به این مهم پرداخته است^۳. غالب شدن پژوهش‌های تجربی و پیمایشی، آن‌هم با رویکرد پوزیتیویستی، در بسیاری از محافل دانشگاهی مانع از شناخته شدن و گرایش به پژوهش‌های مفهومی شده است. بسیاری از مجله‌های علمی نیز اینگونه پژوهش‌ها را در زمره پژوهش‌های متعارف، و مقاله‌های برگرفته از آن‌ها را مقاله‌های «ترویجی» یا «مروری» به‌شمار می‌آورند و مایل به انتشار آن‌ها نیستند.

بسیاری از پژوهشگران در ارتباط با تحلیل مفاهیم و مسائل حوزه‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی و حتی در برخی موارد، حوزه علوم و فناوری اطلاعات، این پرسش در ذهن آنها شکل می‌گیرد که کدام روش پژوهشی می‌تواند مناسب‌تر باشد؟ برخی تصور می‌کنند

1. <https://www.emerald.com/gkmc/article-abstract/55/2/132/275352/Added-value-of-information-and-information-systems?redirectedFrom=fulltext>

2. Conceptual research

۳. در این زمینه تنها مطالبی در بخش کوچکی از کتاب زیر ارائه شده است:

طاهری، سیدمهدی. شیوه‌های نگارش برون‌دادهای علمی. گردآوری و تنظیم بنت‌الهدی موحدی محب و نگین شکرزاده هشترودی. قم: انتشارات زحل، ۱۴۰۳.

همچنین، یک کارگاه آموزشی به شرح زیر برگزار شده است:
طاهری، سیدمهدی (۱۳۹۹). روش‌تأویین مقالات مفهومی. کارگاه ارائه‌شده در کتابخانه حضرت آیت‌العظمی بروجردی. قم.

که تنها روش‌های پیمایشی یا تجربی می‌تواند روش‌های علمی باشد و به پرسش‌های آنان پاسخ دهد. در دهه‌های اخیر، روش پژوهش مفهومی در دانشگاه‌های غرب بسیار مورد توجه و استفاده قرار گرفته است و ارزشمندی آن به اثبات رسیده است. این نوع روش پژوهشی، همان‌گونه که تشریح خواهد شد، متفاوت از روش‌های پیمایشی و تجربی است.

پژوهشگران حوزه نظام‌های ذخیره و بازیابی اطلاعات، از جمله در زمینه سازماندهی اطلاعات و دانش نیز بیشتر درگیر روش‌هایی غیر از روش مفهومی هستند. این درحالی است که، به گفته مورا و همکاران، پژوهش مفهومی یکی از سه روش مورد توجه پژوهشگران در حوزه نظام‌های اطلاعاتی است اما تأثیر و اهمیت آن بر پیشبرد پژوهش‌ها ناشناخته مانده است (Mora et al., 2008). زین، تریاب و چمبرز نیز به همین کاستی اشاره کرده‌اند و بر این باورند که در مقایسه با پژوهش‌های کمی و کیفی، توجه جدی به پژوهش مفهومی نشده است (Xin, Tribe and Chambers, 2013).

این در حالیست که پژوهش‌های مفهومی به لحاظ کاربردی از ارزش بالایی برخوردارند زیرا در نهایت به نتایجی می‌رسند که می‌تواند چارچوب‌های نظری نو و رهنمودهای عملی در زمینه بسیاری از چالش‌ها و مسایل مطرح در حوزه‌های گوناگون، از جمله در تفسیر نظریه‌های موجود، و نشان دادن مسیرهایی برای پژوهش‌های آینده ازایه دهد (Gilson and Goldberg, 2015). ارزشمندی اینگونه پژوهش‌ها زمانی برجسته‌تر می‌شود که اندیشمندان برجسته به آن ورود کنند و مقاله‌های فراوانی با بهره‌گیری از این روش منتشر نمایند. کافیسست نگاهی داشته باشیم به آثار اندیشمندان پراستادی چون پروفیسور بیرگر یورلند (استاد ممتاز مدرسه سلطنتی کتابداری و علم اطلاعات، دانمارک^۱)، پروفیسور ریو ساوولاینن (استاد ممتاز دانشکده علوم فناوری اطلاعات و ارتباطات، دانشگاه تامپره فنلاند^۲ و از پیشروان پژوهش‌های مفهومی)، پروفیسور آماندا اسپینک (استاد ممتاز دانشکده علوم اطلاعات دانشگاه لوبورو انگلستان^۳)، و ریک زوستاک (استاد ممتاز و نظریه‌پرداز برجسته حوزه اقتصاد، علم اطلاعات و سازماندهی دانش، دانشگاه آلبرتا کانادا^۴).

این نوع پژوهش از جمله روش‌هایی است که، در مقایسه با پژوهش‌های متعارف،

1. Birger Hjørland. https://en.wikipedia.org/wiki/Birger_Hj%C3%B8rland

2. Reijo Savolainen. <https://www.tuni.fi/en/people/reijo-savolainen>

3. Amanda Helen Spink. https://wiki.knihovna.cz/index.php/Amanda_Spink

4. Rick Szostak. <https://apps.uaberta.ca/directory/person/rszostak>

نیازمند گردآوری داده‌های جدید و آزمون‌های تجربی نیست بلکه برپایه واکاوی و تفسیر داده‌ها و اطلاعات موجود در ادبیات تخصصی انجام می‌گیرد. به سخن دیگر، پژوهش مفهومی نقطه مقابل پژوهش‌های تجربی است که مبتنی بر انجام آزمون، یا روش‌های پیمایشی و نیازمند گردآوری داده‌های نو هستند. به گفته گیلسون و گولدرگ (Gilson and Goldberg, 2015)، پژوهش‌های مفهومی بیشتر بر استدلال‌های منطقی و کامل برای نشان دادن روابط میان مفاهیم تمرکز دارد نه بر آزمون تجربی آن روابط. در این راستا، پژوهشگر تلاش می‌کند دریافت‌های نوینی ارائه کرده و افق فکری ما را باز کند و گسترش دهد. نکته ارزشمند آن که، به استناد هاینونن و گروئن (Heinonen and Gruen, 2024)، پژوهش مفهومی می‌تواند مبانی نظری برای مطالعات تجربی را فراهم آورد، و به شناخت پدیده‌های پیچیده کمک کند.

مهم‌ترین عناصر در پیشبرد پژوهش مفهومی عبارتند از: تحلیل مفاهیم مرتبط با موضوع و مسئله مورد نظر، اندیشه‌ورزی انتقادی و خلاق، شناسایی متغیرها، کشف رابطه تأثیر و تأثر میان مفاهیم، و برداشت‌های شهودی روشمند است. پژوهشگر بر پایه پرسش‌ها و گزاره‌هایی که در ذهن دارد تلاش می‌کند با مطالعه ادبیات و مبانی نظری موجود، متغیرها و سازه‌های گوناگون مسئله مورد نظر و رابطه میان آن‌ها را شناسایی کند، چارچوب نظری مناسب برای تحلیل و استنباط برداشت‌های خود را تدوین نماید، و سرانجام به یک مدل مفهومی، یا دیدگاه متفاوت یا نظریه‌ای نوین دست یابد. به سخن دیگر، ارزشمندی اینگونه پژوهش در ارائه چارچوب مفهومی^۱ و نظریه‌سازی^۲ است تا به واسطه آن بتوان مرزهای دانش را درنوردید. روفسور جک مردیث، از دانشگاه سین سیناتی آمریکا، که مقاله‌های او بیش از چند هزار بار از سوی پژوهشگران دانشگاهی مورد استناد قرار گرفته^۳ و به‌عنوان یک مرجع در حوزه مدیریت از او نام برده می‌شود، تأکید زیادی بر ارزش پژوهش‌های مفهومی در شکل‌دهی به نظریه‌ها و نظریه‌سازی دارد (Meredith, 1993). از سوی دیگر، پژوهش‌های مفهومی که به‌درستی و با کیفیت انجام گرفته باشند می‌توانند با ارائه پیش‌فرض‌های مربوط به مفاهیم مرتبط اما آزمون‌نشده به نظریه‌سازی منتهی شوند. از سوی دیگر، تحلیل مفاهیم و شناسایی ارتباط مفهومی میان متغیرها با رویکرد

1. Conceptual framework

2. Theory building

3. <https://scholar.google.com/citations?user=pwS4jngAAAAJ&hl=en>

معرفت‌شناختی جزو بنیادی پژوهش مفهومی است. نکته جالب توجه آنست که پژوهشگران روش مفهومی، اصول و چارچوب‌های آن را به شکل برجسته و شفاف در مقاله‌های خود، از جمله در بخش روش‌شناسی، توضیح نداده و به‌طور مشخص نام نمی‌برند بلکه آن اصول و چارچوب‌ها را به شکل تلویحی مورد استفاده قرار می‌دهند.

همان‌گونه که بیان شد، یکی از هدف‌های پژوهش مفهومی کمک به نظریه‌پردازی و نظریه‌سازی است. از این‌رو، پژوهشگر می‌تواند با تکیه بر داده‌ها و اطلاعات موجود، مسئله یا موضوعی را که از اهمیت برخوردار است و می‌تواند بر حوزه مربوطه تأثیرگذار باشد مورد کنکاش و اکتشاف شهودی قرار دهد تا از دل آن‌ها به یک نظریه نو برسد یا یک نظریه موجود را تأیید کند. آشکار است که در این راستا، پژوهشگر نیازمند استدلال‌های ذهنی قوی، تحلیل‌های نظری، تفکر انتقادی، و تفکر خلاق است. به گفته مردیث (۱۹۹۳)، روش‌های پژوهش مفهومی موجب افزایش روایی بیرونی نتیجه‌گیری پژوهش می‌شود. او بر این باور است که کاربرد این‌گونه روش موجب ایجاد تعادل میان نظریه‌سازی و آزمون‌های نظری می‌شود.

فرایند انجام یک پژوهش مفهومی

در متون تخصصی مرتبط با روش پژوهش مفهومی، گام‌هایی برای انجام فرایند آن پیشنهاد شده است. به‌طور کلی، گام‌های مشترک زیادی در آن‌ها وجود دارد. پژوهش مفهومی یک فرایند تعریف‌شده شامل گام‌های زیر دارد:

۱. طرح یک پرسش تخصصی یا مسئله‌ای خاص که ذهن پژوهشگر را درگیر کرده و از دیدگاه او دارای اهمیت است؛
۲. شناسایی و مطالعه منابع مرتبط (مرور تحلیلی و انتقادی ژرف از ادبیات تخصصی و پیشینه پژوهش) و شناسایی شکاف‌های پژوهشی یا نظری که می‌تواند به پژوهشگر در تحلیل و شکل‌دادن مباحث مفهومی در زمینه موضوع یا مسئله پژوهش کمک کند. در این مرحله، همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی، انتقادی و خلاق جزو الزامات بنیادی پژوهش است؛
۳. طرح پرسش اصلی پژوهش و مشخص کردن پرسش‌های فرعی بر گرفته از مفاهیم و متغیرهایی که در ادبیات تخصصی مورد اشاره قرار گرفته و ذهن پژوهشگر را به خود درگیر کرده است؛

۴. تدوین یک چارچوب نظری، برگرفته از ادبیات تخصصی، برای شناسایی و تحلیل مفاهیم، متغیرها و سازه‌های مرتبط با موضوع و مسئله پژوهش که در راستای پاسخ به پرسش‌ها یا فرضیه‌ها باشد. در این مرحله بهتر آنست که این چارچوب را به شکل دیداری (نموداری اولیه از مدل مفهومی^۱) نیز طراحی کرد تا متغیرها و سازه‌ها و همچنین رابطه میان آن‌ها بهتر نمایانده شود؛
۵. کشف رابطه تأثیر و تأثر میان مفاهیم و متغیرها، انجام استدلال‌های علمی و برداشت هدفمند از مفاهیم که بتواند به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد و به برآورده شدن هدف(های) پژوهش کمک کند، و سرانجام؛
۶. ارائه یک مدل مفهومی یا نظریه نو مبتنی بر یافته‌های تحلیلی و استدلالی که ارزش و اهمیت موضوع یا نظریه مربوطه در آن حوزه را برجسته کند.

در بسیاری از پژوهش‌های مفهومی، پژوهشگر برای درک بهتر مفاهیم مورد بررسی و گزاره‌ها، از مدل‌های مفهومی بهره می‌گیرد. به گفته مردیث (۱۹۹۳)، مدل مفهومی مجموعه‌ای از مفاهیم، همراه یا بدون گزاره(ها) است که برای بازتاب یا توصیف یک رخداد، شیئی یا فرایند مورد استفاده قرار می‌گیرد. مردیث (۱۹۹۳) همچنین تأکید می‌کند که این مفاهیم، در واقع، شکل انتزاعی سازه‌های مفهومی است که به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیستند بلکه از طریق رخدادها قابل مشاهده استنباط می‌شوند.

به گفته پروفیسور الینا جاکولا (Jaakkola, 2020)، که مقاله‌اش نزدیک به ۱۸۰۰ بار مورد استناد قرار گرفته^۲، مهمترین اصل در این نوع پژوهش، طراحی خود پژوهش است که به‌طور معمول چهار رویکرد را دنبال می‌کند:

۱. ساخت نظریه^۳. در این رویکرد، پژوهشگر تلاش می‌کند میان نظریه‌ها و ادبیات تخصصی مرتبط با موضوع مورد نظر انسجام برقرار کند. مقاله‌هایی که با این رویکرد تدوین می‌شوند تلاش دارند تا دیدگاهی منسجم، نوآورانه و یا توسعه یافته از مفاهیم یا پدیده‌های مورد بررسی ارائه دهند که پیشتر ارتباطی با هم نداشته‌اند؛
۲. اقتباس نظریه^۴. پژوهشگر با بهره‌گیری از نظریه‌های مرتبط دیگر در زمینه یک موضوع،

1. Conceptual model

2. <https://scholar.google.com/citations?user=lpqGnusAAAAJ&hl=en>

3. Theory synthesis

4. Theory adaptation

تلاش می‌کند نظریه موجود را تکمیل کند. در این راستا، رخ دادن تغییر در چشم‌انداز نظریه مطرح امری بدیهی است. مقاله‌هایی که با این رویکرد نگاشته می‌شوند گستره بزرگی از ادبیات تخصصی را واکاوی و بازبینی می‌کنند تا دیدگاه نوینی را برای تدوین نظریه نو ارائه دهند؛

۳. گونه‌شناسی^۱. مقاله‌های نگاشته‌شده با این رویکرد متغیرهای مفهومی را به منزله گونه‌هایی متفاوت و مشخص رده‌بندی می‌کند. هدف آن‌ها ارائه یک دسته‌بندی جدید در قالب یک مجموعه منسجم و روشن از گونه‌ها است که ماهیت فازی بسیاری از سوژه‌ها را از طریق ترکیب منطقی و علی‌سازه‌های مختلف توضیح دهد. مقاله‌هایی که با این رویکرد نگاشته می‌شوند فهم دقیق و روشنی از یک پدیده یا مفهوم را به دست می‌دهند و ابعادی که موجب ایجاد تمایز میان گونه‌ها می‌شود را برجسته و توجیه می‌کنند. رویکرد چنین مقاله‌هایی مبتنی بر تمایز، تشخیص، نشان دادن ابعاد یا مقوله‌بندی پدیده‌ها، سازه‌ها، نظریه یا پرسش پژوهش می‌باشد؛

۴. مدل‌سازی^۲. مقاله‌های بت رویکرد مدل‌سازی با هدف ساخت یک چارچوب نظری نوشته می‌شوند که رابطه‌های میان مفاهیم را پیش‌بینی کنند. مدل مفهومی موجودیت‌ها را با شناسایی مسائلی که می‌بایست در پژوهش مورد توجه قرار گیرند توصیف می‌کند. مدل مفهومی قادر است یک رخداد، شیئی، یا فرایند را توصیف کند و توضیح دهد که این مدل چگونه از طریق روشن ساختن تبارها، پیامدها، و رخداد‌های احتمالی کار می‌کند.

گوناگونی روش‌ها و رویکردهای پژوهش مفهومی

آشکار است که، همچون سایر روش‌های پژوهشی، روش مفهومی نیز با رویکردهای متفاوتی انجام می‌گیرد. لین (Lin, 1976, in Meredith, 1993) توضیح می‌دهد که روش پژوهش مفهومی سطوح گوناگونی دارد: طبقه‌ای^۳، گونه‌شناختی^۴، اقتضایی^۵، تداعی‌گرا^۶

1. Typology
2. Model
3. Classificatory
4. Typological
5. Contingency
6. Associative

و کار کردی^۱، که هر سطح به سطح بعدی از نظر مفاهیم مرتبط و گزاره‌های معرفتی به نظریه‌های واقعی نزدیک‌تر می‌شود. مردیث (۱۹۹۳) نیز هفت گونه رویکرد در روش پژوهش مفهومی، از ساده تا پیچیده، را به شرح زیر معرفی می‌کند:

۱. توصیف مفهومی^۲. این رویکرد در مدل‌سازی پژوهش، تنها به توصیف موضوع یا پدیده مورد نظر می‌پردازد و توجهی به واکاوی رابطه‌ها ندارد. مدل مفهومی می‌تواند هر ساختاری که مورد نظر پژوهشگر است داشته باشد، از پیشرفته تا ساده؛
۲. رده‌بندی‌ها و گونه‌شناسی‌ها^۳. رده‌بندی‌ها به‌طور سلسله‌وار و پیوسته، جنبه‌های یک موضوع یا پدیده را از کل به جزء دسته‌بندی و توصیف می‌کنند و اشاره‌ای به رابطه میان آن‌ها ندارند؛
۳. مفهوم‌سازی فلسفی^۴. این گونه نظریه‌سازی نتیجه تعاملات فلسفی به شیوه استقرایی است. مفهوم‌سازی فلسفی، مفاهیم مرتبط با موضوع مورد نظر را شناسایی و ادغام می‌کند، جنبه‌های مشترک و متضاد را واکاوی می‌نماید تا بتواند به استنباط و نتیجه‌گیری پردازد؛
۴. استقراء مفهومی^۵. در این رویکرد، شماری از رخداد‌های مرتبط با یک پدیده مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا به استنباط ماهیت نظام یا راه حل مورد نظر بیانجامد. در برخی موارد، منظور از نظام می‌تواند تفسیر یا مفهوم‌سازی یک فرد در مورد چیزی باشد که قواعد روشنی درباره آن‌ها وجود نداشته است. هدف این رویکرد توضیح یک پدیده از طریق مشاهده روابط میان اجزای نظام است. از این‌رو، هدف آن نه تنها توصیف دقیق پدیده بلکه توضیح چگونگی رخ دادن آنست؛
۵. قیاس مفهومی^۶. این رویکرد این‌گونه است که یک چارچوب مفهومی به منزله یک فرض در نظر گرفته می‌شود تا پیامدهای آن (یا پیش‌بینی‌های مرتبط با آن) به شکل مشروح و به‌منظور مقایسه با واقعیت‌ها و ارائه رهنمودها تعیین گردد؛

-
1. Functional
 2. Conceptual description
 3. Taxonomies and typologies
 4. Philosophical conceptualization
 5. Conceptual induction
 6. Conceptual deduction

۶. نظام مفهومی^۱. مشخصه این رویکرد، روابط بسیاری است که میان عناصر یک چارچوب مفهومی رخ می‌دهد. به سخن دیگر، نظام مفهومی از تعداد زیادی مفاهیم که دارای گزاره‌های مرتبط به هم هستند تشکیل می‌شود. نظام مفهومی همچون یک نظریه پیچیده عمل می‌کند اما مانند آن کامل نیست؛

۷. فراچارچوب‌ها^۲. یکی از رویکردهای شکل‌دادن به نظریه‌ها، گردآوری و ادغام چارچوب‌های مفهومی پیشین است که در واقع، به‌منزله فراچارچوب‌ها شناخته می‌شوند. در این رویکرد باید تلاش کرد متغیرها با هم ترکیب نشوند و مرز میان آن‌ها به‌روشنی مشخص باشد.

سخن پایانی

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که روش پژوهش مفهومی همچون سایر روش‌های متعارف، از اهمیت و اعتبار بالایی برخوردار است و می‌تواند در زمینه تدوین مدل‌های مفهومی و نظریه‌سازی، بویژه در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، مورد استفاده قرار گیرد. پژوهشگران باید تلاش کنند با تکیه بر رویکردها و گام‌های روشمند، ارزشمندی و اعتبار این گونه پژوهش را تبیین و برجسته کنند.

سردبیران مجله‌های علمی نیز می‌بایست توجه جدی به چنین روشی داشته و در فرایند دریافت و پذیرش مقاله‌ها، به اعتبار آن باور داشته باشند. همچنین، بایسته است گروه‌های آموزشی در دانشکده‌ها، کمیته‌های تخصصی ارتقاء و هیئت‌های ممیزه دانشگاه‌ها نیز ارزشمندی مقاله‌های مفهومی را به رسمیت شناسند.

نکته پایانی آنکه، برای نشان دادن گستره مفهومی این نوع پژوهش، نیازمند آنیم که عنوان پژوهش و یا مقاله برگرفته از آن را با افزودن مفاهیم، متغیرها و رابطه‌ها به گونه‌ای تدوین کنیم که چارچوب مفهومی پژوهش را به روشنی بازتاب دهد.

سید رحمت‌الله فتاحی

سردبیر

1. Conceptual systems

2. Meta-frameworks

References

- Gilson, Lucy L. and Goldberg, Caren B. (2015). Editors' Comment: So, What Is a Conceptual Paper? *Group & Organization Management*, <https://doi.org/10.1177/1059601115576425>
- Heinonen, K., & Gruen, T. (2024). Elevating conceptual research: Insights, approaches, and support. *AMS Review*, *14*(1), 1-6.
- Jaakkola, Elina. (2020). Designing conceptual articles: four approaches, *Academy of Marketing Science Review*, *10* (3) DOI: 10.1007/s13162-020-00161-0
- Johannessen, Jon-Arild and Olsen, Bjørn. (2023). *How to Write Conceptual Papers in the Social Sciences: A Practical Guide for Students*. Location: Routledge. DOI: <https://doi.org/10.4324/9781003457091>
- Meredith, Jack. (1993). Theory building through conceptual methods. *International journal of operations & production management* *13* (5), 3-11. <https://doi.org/10.1108/01443579310028120>
- Mora, Manuel; Gelman, Ovsei; Paradice, David; and Cervantes, Francisco, "The Case for Conceptual Research in Information Systems" (2008). CONF-IRM 2008 Proceedings. 52. <http://aisel.aisnet.org/confirm2008/52>
- Xin, Shuang, Tribe, John, and Chambers Donna. (2013). Conceptual research in tourism, *Annals of Tourism Research*, *41*: 66-88. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2012.12.003>.